



بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی

سلسله کارگاه های طرح اختصاصی اساتید علوم انسانی (کارگاه شماره ۳)

نام کارگاه: آشنایی با روش ها و رویکردهای تفسیر قرآن با تأکید بر مهم‌ترین تفاسیر معاصر (جلسه چهارم)

استاد مدعو کارگاه: حجت الاسلام دکتر عبدالمادی مسعودی

تاریخ برگزاری: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

بسمه تعالی

دکتر مسعودی : سلام عرض می کنم خدمت همه استادان گرامی . در خدمت سوالات و پرسش های محترم آقایون هستم .

آقای دکتر (۱:۴۲): سلام عرض می کنم آقای دکتر خیلی سپاسگذارم از صحبت های بسیار ارزشمند شما . من می خواستم ببینم شما این نگاه من را تایید می کنید یا رد می کنید؟ در جلسه اول یک سری تفاسیر را معرفی فرمودید و در جلسات بعدی هم گام هایی را برای فهم قرآن فرمودید. من نظر خودم را عرض می کنم که به عنوان فردی که در حوزه علوم انسانی کار می کنم و نگاه مدیریتی کار سخت تر از این مراحل است که شما فرمودید و ما بسشتر از این به تفاسیر بخصوص تفاسیر جامع و معاصر نیاز داریم. ان تفاسیر کهن به نظر من برای امروز و علوم انسانی کار گشا نیست ، من بنا به پژوهشی که دارم میخواستم مثالی عرض کنم . من در کارم به دو تفسیری که شما میشناسید مراجعه کردم فرض بفرمایید در موزد سوره اعراف تفسیر تسنیم .من میبینم که آقای جوادی نکات ارزشمندی را آورده اند یا دز تفسیر مشکات نزدیک ۴۰ صفحه توضیحاتی داده شده است یا فرض بفرمایید قسمت آیه ۱۸۹ سوره اعراف من فکر می کنم که ما به تفاسیر زیادی باید مراجعه کنیم مخصوصا تفاسیر جدید .من می خواستم ببینم نظر شما چیست ما باید همان مسیر را برویم و ببینیم روش مندی درست است و به تفاسیر مراجعه کنیم ؟

دکتر مسعودی : متشکرم بسیار توضیحات خوبی بود .این روش در گام دهم در درون خودش شفاف ساری می شود . این روش جدای از تفاسیر نیست . به طور کل هیچ دانشی نمی تواند بدون پیشینه خودش پیشرفت کند .هر شخصی که در علم آمده جای نفر قبلی ایستاده است و این حتما باید دیده شود . عرض من این است در جاهایی که شنا پرسش را با تفاسیر در میان بگذارید اما پاسخی نمی یابید . اینجا یا خودتان مفسر باشید و این روش ها را بیابید یا مراجعه به تفاسیر کنید

و یا اینکه شما وارد گفتگو با یک مفسر زنده شوید که هم یک روش گفتگوی گام به گام مشارکتی است .

آقای دکتر ؟ :به نظر شما تفسیر کهن برای علوم انسانی جدید کار گشا است ؟

دکتر مسعودی :تفاسیر کهن برای شما به عنوان متخصص علوم انسانی خیر ولی برای مفسری که می خواهد در پاسخگویی به شما باشد گاهی اوقات مفید است یعنی سرچشمه بزخی از دانش ها باهمان تفاسیر گذشته است . اما گاهی اوقات فهم بیان مفسر جدید در گروهی فهم تفسیری است که آن مفسر به آن اشاره می کند . برای مفسر لازم است ولی برای محقق خیر .

آقای دکتر افخمی : سلام خدا قوت و خسته نباشید . من یک سوال داشتم مربوط به اینکه به نظر شما اگر ان شالله امام زمان (عج) ظهور کنند راه تفسیر بسته می شود یا ادامه پیدا می کند ؟ منظورم این است تفسیر از قرآن در زمان ایشان هم است یا فقط در زمان قرآن یک بحث مطرح است و زمانیکه این امام معصوم بیایند این گام بسته می شودو احتمالاً از طریق دیگری ادامه پیدا خواهد کرد.

دکتر مسعودی : ان شا الله که امام زمان بیایند و هرچه بخواهد اتفاق بیوفتد .ثانیا در زمان خود پیامبر اکرم (ص) و در زمان خود معصومان تفسیر وجود داشته است ، علتش این است که تشخیص مصداق آیه در زمان مفسر خودشیک عملیاتی تفسیری است.پس برای تطبیق آیات در دنیای امروز در دنیای هر روزه مفسر نیاز به تدوین و تفسیر و جری و تفسیر دارد .

آقای دکتر افخمی : زبان شناسان برای فهم متون کهن و متون مختلف روش های مخالف و مکاتب مختلف را دارند که شما به یکی از آنها اشاره کردید . زبان شناسان متعددی و روش شناسی های متعددی هم داریم به نظر شما برای فهم معانی قرآن با رویکرد های سمانتیکی یا هرمنوتیکی استفاده از این روش شناسی هایی که در علم زبان شناسی مطرح شده چقد موجه است وقتی آن

یافته ها را ما بدست آوردیم از طریق این روش شناسی ها انها را اگر بخواهیم اعتبار سنجی کنیم به چه شکلی باید انجام دهیم؟

دکتر مسعودی: ببینید ما هم در سمونوتیک و هم در هرمونوتیک رویکردهای متفاوتی داریم و حتی روش های متعددی هم داریم. در همین زبان شناسی و معنا شناسی ما یک معنا شناسی کاربردی و شناختی داریم. باید از هر کدام در جای خودش استفاده کنیم.

روش شناختی کاربردی که یکی از سردمدارانش آقای مصطفوی است در قسمت معنا یابی واژه ها بکار می آید. اما معنا شناسی شناختی که آقای دکتر قائمی نیا به آن پرداختند در بحث استعاره ها بکار می رود حتی ما از هرمونوایک هم می توانیم استفاده کنیم. در هرمونوتیک بیشتر بر اساس رویکرد روش یعنی چیزی که علم پیدا کرده است. ما در بحث هرمونوتیک در بحث تاویل هستیم و در بحث تاویل از هرمونوتیک استفاده می کنیم.

به هر حال ما از فرآورده های سماتیک و هرمونوتیک در مراحل مختلف فهم قرآن می توانیم استفاده کنیم.

برای اعتبار سنجی راه همانی است که عرض کردم یعنی ما باید در مسئله متون با فهم عرفی سازگار شویم. اکثر مردم در فهم متون فهمشان معیار است. باید آنچه را که از تفاسیر بدست می آوریم از عقل خودمان و بر اساس روش خودمان وقتی به عرف داده می شود بگوییم این از متن گرفته شاه و با متن سازگار است.

اما در مورد (۱۷:۵۷) متوجه صحبت استاد نشدم) که فرمودند. آن هم همینطور است اگر مصداقی که ما امروز از آن میفهمیم با روح معنایی آن آیه سازگار است.

علامه طباطبائی در جلد یک المیزان بخشی را درباره معنا آورده برای مثال ایشان مثال زده اند چراغ . خب در گذشته ما یه چراغ موشی می گفتیم چراغ بعد یک مدت به چراغ فانوسی و به چراغ های

ختم در مسجد ها و ... باید روح معنا اگر در آن مصداق ها قابلیت تطبیق دارد بگوییم هیچ اشکالی ندارد.

در مورد بهشت هم بله. در برزخ و قیامت هم همینطور است و به قاری قرآن می گویند به مقداری که بلدی بخوان و بالا برو. قرآن متون زیادی دارد هرچه انسان فهیم تر به اهل بیت شود از این متون بیشتر بهره منو می شود ولی ما در روایات داریم همه آیات قرآن را فقط پیامبر و اهل بیت گسترش دادند.

آقای کامیار: قطعا شما با ابزارهایی که مرکز کامپیوتر علوم اسلامی نور فراهم کرده آشنا هستید. یک پایگاه جامع قرآنی دارند که من این را بواسطه یک موضوعی که باید بررسی می کردم در این پایگاه مشابَهت های آیات دیده میشود به چند روش مختلف. مشابَهت های لفظی وجود دارد و هم مشابَهت های معنایی که مشابَهت های معنایی که از محل استفاده آن آیه در تفاسیر مختلف جمع آوری شده و همچنین مشابَهت های معنایی که به آیات دیگر وجود دارد و مشابَهت یابی انجام می شود. تفاسیر مرتبط با این آیه هم نمایش داده می شود. سوال من این است آیا قوت مشابَهت یابی که این پایگاه انجام می دهد در چه حد است؟ یعنی آن آیاتی که به عنوان مشابَهت این آیات مورد بررسی ما به عنوان مرتبط معرفی می کند واقعا ارتباط دارند و این ارتباط صرفا معنایی است یا لفظ هم است؟

دکتر مسعودی: شبیه همچنین برنامه ای را در مورد حدیث هم داریم. خود دست اندرکارانشان می گویند بین ۶۰ تا ۷۰ درصد قابل اعتماد است یعنی به این معناست که نمی توانیم کنار بگذاریم. در جستجوی آیات مشابَهت ما باید روش ها و کلید واژه بسازیم ولی اینطوری نیست که تمام اطلاعات بدست آمده که از این روش بدست می آید ارتباط تام داشته باشد بین ۶۰ تا ۷۰ درصد. بنده استفادش را توصیه می کنم.

خانوم دکتر صالحی نیا : سلام عرض می کنم . من یک سوال داشتم . ما در حوزه های خودمان وارد قرآن می شویم . یکی از موضوعاتی که برای بنده مطرح است مخاطب شناسی قرآن در دوره های مختلف از منظر مفسران با توجه به بافت موقعیتی که در آن هستند تفسیر از آیات ارائه می دهند . سوال من این است پژوهش هایی که در این زمینه انجام شده چه در پژوهشگاه شما چه در جای دیگر که مد نظرتان است و ارزشمند است بفرمایید و آیا راهکاری هم در این حوزه داشتید ؟ یا باید دوره و تفسیر را مطالعه کنیم ؟

دکتر مسعودی : ببینید سوالتان این بود که آیا ما پژوهش های درجه ۲ در موزد تفاسیر اجتماعی داریم یا خیر ؟ آیا پژوهش هایی داریم که تاثیر نگاه اجتماعی مفسر را در تفسیرش نشان داده باشد ؟ خانم دکتر صالحی نیا : بله همین است

دکتر مسعودی : در این ناحیه یک مقدار تغییر است یعنی ما متاسفانه پژوهش های درجه دوم اینگونه کم داریم ولی موسسه امام خمینی که زیر نظر آقای مصباح کار می کردند یک گوهی دارند بر روی این زمینه کار میکنند . خود جناب آقای مصباح کتابی راجب جامع التاریخ دارند که در آنجا از تفاسیر و قرآن استفاده می کنند تقریباً شبیه کار آقای مطهری ولی نو تر . ولی به صورت خاص من در ذهنم ندارم . در نوشته های دکتر سروش اشاره هایی و نمونه هایی است .

به صورت مکتوب : به لحاظ روش شناسی این نوع مصداق یابی را چگونه می توان در مقالات توضیح داد ؟

ببینید در تفسیر روایی جامع من یکی دو مطلب را راجب این به صورت مفصل پرداخته ام راجب تطبیق و مصداق خارجی اش . اگر به تفسیر روایی جامع مراجعه کنید تا حدودی به این سوال پاسخ داده می شود که ما چه طور این مصداق را پیدا کنیم که این مصداق خارج از دایره حقیقت نباشد .

خانمی به نام دکتر شادی نفیسی ایشان هم از اسایتد دانشگاه ما بودند و الان دانشگاه تهران هستند. در آن زمان که حدود هفت یا هشت سال پیش یک مقاله ای راجع به همین مسئله؟؟؟؟ نوشته اند فکر کنم در مجله قرآن شناخت باشد.

سوال: من در مورد تفاوت آیات مدنی و مکی خواستم از شما بپرسم از لحاظ محتوا؛ به صورت کلی آیا می توانیم یک تفاوت محتوایی را بین این دو دسته از آیات بگذاریم.

سوال دیگر اینکه آیات تکراری در قرآن هست مثل «و ما انت علیهم بوکیل» لطفا دلیل این را بفرمائید:

جواب: در مورد پرسش اول شما ما دو معیار برای مکی و مدنی خواندن آیات داریم که در این دو معیار دو جواب وجود دارد: یک معیارمان مکانی است یعنی آیاتی که در مکان مکه نازل شده و آیاتی که در مکان مدینه نازل شده است. از آن جایی که پیامبر اکرم دو بار مکه بوده اند یعنی یک سیزده سال اول مکه بوده اند و بعد به مدینه رفته اند و بعد برای فتح مکه آمده اند و چند ماهی در مکه اقامت داشته اند و حجت الوداع و عمره هم داشته اند یعنی چندین ماه روی هم می شود بعد از آن سیزده سال. بعضی ها هم معیار زمانی قائل هستند یعنی می گویند آیات مکی نه اینکه فقط در مکه نازل شده باشد بلکه از نظر زمانی به قبل و بعد هجرت تقسیم کنیم یعنی بگوییم آیاتی که تا قبل از هجرت به پیامبر نازل شده است که البته فقط در مکه است که می شود مکی و اما آیاتی که بعد از هجرت نازل شده است البته اکثرش در مدینه است که می گوئیم مدنی ولی همان آیاتی هم که در مکه نازل شده است چون بعد از هجرت است می گوئیم مدنی. پس دو ملاک زمانی و مکانی وجود دارد. در مورد ملاک زمانی این جواب داده می شود که آیات مکی بیشتر در مورد اصول توحید، عقائد اصلی اسلام و اخلاقیات است. این فراوانی نسبی دارد نه اینکه بگوییم هر آیه ای در مکه اینطور است اما در آیات مدنی که سوره بقره، آل عمران و سوره های درشت مدنی هستند بیشتر راجع به روابط اقتصادی، حقوقی و حکومتی است مثل اینکه زکات و خمس بدهید،

جهاد بکنید و اگر لازم است پشت ولی امرتان بایستید و از این مسائل. آیات مکی بیشتر راجع به قیامت است و بعضی اوقات آیات کوتاه و کوبنده است مثل القارعه ما القارعه؛ در خیلی از آیات سوره های مدنی روابط ریز خانوادگی مطرح شده ولی در مکه اصلا معنا نداشته که بگوید خمس بدهید.

اما در خصوص سوال دوم شما یکی از فایده های اصلی تکرار تذکر است چون ممکن است مسلمانان یادشان برود و تکرار کلا مسئله اهمیت داری است البته تکرار گاهی اوقات زیبایی هم دارد. شما این شعر هفتاد من مثنوی را بخوانید که چقدر من را تکرار کرده است ولی چقدر زیباست. می گویند مثنوی هفتاد من کاغذ شود نه اینکه من وزنی بلکه اشاره به همین شعر که هفتاد تا من دارد مثل سوره الرحمن که آیه فبأی آلاء ربکما تکذبان مرتب تکرار شده است. تکرار وجوه بلاغی و معنایی دارد. در ضمن هر کدام از این آیه های تکرار شده، مفسرین وجوهش را بیان کرده اند. مثل تفسیر کشاف زمخشری، مثل مجمع البیان طبرسی و امثالهم.

سوال: در مورد کمال و جامعیت قرآن که لارطب و لایابس الا فی کتاب مبین، می خواستم بدانم که این کمال به چه معناست؟ آیا کمال به این معناست که می شود همه چیز را از قرآن استخراج کرد یا کمال به مثابه وسیله هدایت و به مثابه یک دین، کامل است. لطفا توضیح بفرمائید:

جواب: درباره این هم مقالات متعددی است هم کتب متعدد؛ مقالات متعددی در مجله علوم حدیث است در مجله تفسیر قرآن است. در کتاب شناخت نامه قرآن، این موضوع به طور مفصل بیان شده است ولی علامه طباطبایی هم اشاره کرده اند ولی به طور کلی دو نظر در اینجا است: یک نظر می گوید جامعیت به لحاظ هدایت. یعنی قرآن چون هدی للناس و هدی للمتقین است، در عرصه هدایت انسان که هدف اصلی نزول قرآن هم است، هیچ چیزی را فروگذار نکرده است. مثلا مثل اینکه شما به دکتر مراجعه بکنید و دکتر بگوید که من هم چیز را به شما گفته ام و شما باید خودتان انجام دهید. وقتی دکتر می گوید من همه چیز را به شما گفته ام، یعنی همه چیز در مورد بیماری و

سلامتی و ما از دکتر توقع نداریم که ریاضیات هم به ما یاد بدهد و راجع به اقتصاد هم به ما یادآوری و راهنمایی کرده باشد. قرآن هم چون برای هدایت آمده است وقتی می فرماید برای شما هیچ چیز فروگذار نکرده ام یعنی در عرصه هدایت.

نظر دوم که نظر با توجه به روایات است، می گویند در عرصه ظاهر و رویه ظاهری قرآن، همین است که می فرمایند یعنی ما انسان معمولی و مفسران اسلامی از ظاهر قرآن اگر بخواهیم همه چیز را استخراج کنیم فقط در عرصه هدایت می توانیم همه چیز را استخراج نماییم معنایش این است که در عرصه نجوم شناسی و اقتصادی و جامعه شناسی و یا طب، برخی چیزها را استخراج کنیم. اما ائمه علیهم السلام یعنی کسانی که مخاطب اولی و اصلی قرآن بوده اند با استفاده از تاویل و علم الهی و اتصال به فیض رحمانی می توانند یعنی امکانش هست که همه سوالات بشر را بتوانند با استفاده از مجموع تفسیر و تاویل یعنی ظاهر و باطن قرآن، جواب بدهند.

اما سوالی که یکی از دوستان دیگر هم پرسیدند که اگر امام زمان علیه السلام بیایند، چطور می شود؟ ممکن است تمامی سوالات ما را از قرآن جواب بدهند و کار محدث ها و مفسرها را تخته نمایند.

جواب دقیق تر با توجه به روایات فکر می کنم جواب دوم باشد و جامع نسبت به جواب اولی است.

سوال: یک سوال مربوط به بحث امروز است که حضرت تعالی در بحث اینکه اگر بخواهیم نهایتا میزان روایی یافته مان را حساب نماییم، مثلا یکی از ملاک هایی که فرمودید این بود که نباید با نظریه اکثر مفسران مخالفت داشته باشد. خب اگر قرار باشد همان چیزی را بگوییم که اکثر مفسران گفته اند خب اصلا چرا دست به قلم ببریم و همان حرف هایی که آنان زده اند را تکرار کنیم. اساسا انگیزه دست زدن به کار پژوهشی این است که فرض محقق این است که حرف هایی می خواهد بزند که دیگران نگفته اند. البته نه اینکه خرق اصول بدیهی بشود. اگر منظور این است که در

بدیهیات حرف اکثر مفسرین شکسته نشود بله حرف درستی است ولی اینکه به طور کلی ما یک معیاری بدهیم و بگوییم شما در کار پژوهشی و تفسیری نباید خروجی شما با نظریه اکثریت مخالف باشد، این ممکن است رویکرد تکرار را در ذهن تقویت نماید. لطفا توضیح بفرمائید:

جواب:

همانطور که می فرمایید اگر ما بگوییم فرآورده تفسیری جدیدمان نباید متفاوت با تفاسیر باشد، این تفسیر من را بیهوده می کند اما اگر بگوییم متعارض نباشد، این درست است. من در پژوهش های متن محور دنبال فهم نو هستم اما در پاسخ به پرسش نو. اگر پرسشش در گذشته مطرح نشده، پس تفاسیر چیز متفاوت و نو ندارند که با آن بسنجم ولی همین نکته ای را که من به دست آوردم نباید به دلالت مطابقی و لوازم معنایی با مضمون تفاسیر گذشته یا لوازم معنایی تفاسیر گذشته، معارض باشد. متفاوت می تواند باشد اما معارض نه؛ شبیه همین بحث را در تفسیر تاویل هم می کنند. برخی می گویند تاویل اگر متفاوت با تفسیر نباشد چه فرقی با تفسیر دارد؟ تاویل نباید معارض با ظاهر قرآن باشد اما متفاوت می تواند باشد. ممکن است کسی از حسن و حسین آمدن این را بفهمد که این ها مذکر بودند و ممکن است کسی مقداری بیشتر فکر کند و ببیند پدر و مادر این ها در واقع مذهبی بوده اند. ما در تفسیرهای نو دنبال طرح ها و پرسش های نو هستیم و به هر حال نباید با قواعد فهم زبان معارض باشد. این بحث را در هرمنوتیک هم مطرح می کنند همان جا هم حتی آن هایی که خیل تندرو هستند و اصالت را به فهمنده و نه گوینده و نویسنده می دهند. همان جا هم می گویند فهمنده نمی تواند چیزی از متن بفهمد که کاملا با ساختار متن معارض باشد. به هر حال اعتبارسنجی در دانش های متن محور در گرو اقل تعارض با مشهور و فهم عرفی است. لازم نیست در فهم عرفی همه را برویم و ببینیم. ما الان همه مان می فهمیم وقتی کسی که می گوید من تاکسی می خواهم یعنی تاکسی بیاید و سوارش کند و برود و معنایش این نیست که می خواهم بخرم. اما اگر همین شخص بگوید ماشین می خواهم یعنی می خواهم ماشینم بخرم. این ها فهم

های عرفی است که خودش را تحت عنوان قواعد، دستور زبان عربی و امثالهم حاکم می کند. ضمن اینکه اعتبارسنجی تفسیر در گرو اعتبار مبانی هم هست که ما فرصت بحث از آن را پیدا نکردیم. به هر حال بحث اعتبارسنجی چه در حدیث و چه در تفسیر بحث بسیار مفصلی است و گره آن هم همین است که فرمودید که اگر بخواهم تقلید نمایم پس چرا تفسیر انجام دهم و اگر بخواهم با آن ها معارضت نداشته باشم پس می توانم نظر خودم را بگویم. این بسیار مطلب دقیقی است.

سوال:

منظور از کتاب مکنون قرآن چیست؟

جواب: منظور از کتاب مکنون، کتاب دست نخورده است یعنی کتابی که تغییر پذیر نیست آن وقت در تفاسیر دو سه تا درباره نوشته پوشانده شده و نوشته ای که حفظ شده است، برخی معتقدند که قرآن در عالم بالا یک صورت و یک محتوایی دارد که آن را دست نخورده نگاه می دارند و آن بخشی که به کار بشر بیاید را به صورت تنزیلی یک بار بر جبرائیل و یک بار بر پیامبر و گاهی اوقات به طور مستقیم بر پیامبر نازل می شود و بعد از زبان پیامبر دوباره به زبان گفتاری در می آید و آن تنزیل شده را ما داریم.

سوال: درباره کار جدیدتان که با آقای دکتر طباطبایی دارید بفرمائید:

جواب: الحمدلله چاپ شده است و خود مشهد شما هم چاپ شده است یعنی ما یک همکاری در چاپش با بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی انجام دادیم تحت عنوان پرتویی از تفسیر اهل بیت. که ما این پرتویی از تفسیر اهل بیت را روی همین دوازده گام جلو رفتیم یعنی در جلد ۱ من این ۱۲ گام را توضیح داده ام و در جلد ۲ سوره حمد این روش را پیاده کرده ایم و دو جلد ما انجام داده ایم و تازه سوره حمد را تمام کرده ایم یعنی تفسیر بسیار موسعی می شود. الان در آستانه نشر جلد سوم هستیم که آغاز سوره بقره است. در یک نمایشگاه اختصاصی جناب آقای حجازی از اعضای بلندپایه دفتر مقام معظم رهبری وقتی دیدند گفتند همه این راجع به سوره حمد است؟

عرض کردیم بله. وقتی که با این دوازده گام جلو برویم خیلی داده های ما زیاد می شود و تفسیر می تواند شاخ و برگ پیدا کند.

در خدمت شما هستم.

من یک بازخوردی هم داشته باشم به جد تقاضای من این است که آیا مطالب مطرح شده در این کارگاه همان انتظاری است که داشته اید یا خیر؟

یکی از حضار: ما یکی دو نمونه را یعنی گام به گام و مرحله به مرحله تا انتها با هم حرکت کنیم و یکی از موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی مطرح است یک مثالی را یعنی به طور عینی در همین دوازده گام ببینیم تا به فهم عمیق موضوع بهتر کمک کند.

استاد: کاملاً درست است و من در کتاب همان روش فهم قرآن که آقای شریف زحمت معرفی دوباره اش را کشیدند در دو جلسه آخر روش فهم قرآن، کاربرت این روش را در ایام نعبد و ایام نستعین نشان دادم ولی انشاءالله اگر فرصتی شد در قالب یک فهم مشترک هم دوست دارم با هر کدام از شما دوستان که رشته های مختلفی دارید و فکر می کنید که تفسیر قرآن می تواند آن جا پاسخگو باشد دوست دارم که این روش را هم به کار ببریم. این را ما در عرصه حدیث در بحث حیا که عرض کردم و بحث شادکامی یک بار انجام داده ایم و بنده به عنوان حدیث دان و آقای دکتر آذربایجانی به عنوان روانشناسی و آقای دکتر گلزاری هم به عنوان استاد راهنما یک پایان نامه ای را در همین موضوع شادی کار کردیم و تا حدودی هم جواب داد و بعد هم یک کتاب کوچکی که البته کسی دیگر نوشت و جدیداً هم یک کتابی به عنوان توان افزایی منتشر شده که آن هم یکی از افراد همین پژوهشگرده تفسیر که با همین روش کار کرده اند انجام داده اند. بله من خودم هم دوست دارم که با حضرتعالی و همکارانتان یکی از این موضوعات را در یک مقاله خاص یا یک موضوع ریز کار بکنیم. پیشنهاد بسیار خوبی است و می توانیم از طریق بخش پژوهشی دانشگاه

قرآن و حدیث مان با شما این گام به گام را برویم و یک کارگاه یا یک موضوع پژوهشی را سامان دهیم.

سوال: جناب عالی که به عنوان قائم مقام دانشگاه هم هستیم و ما هم به عنوان پژوهشگر و نماینده دانشگاه در این حوزه علاقمندیم که پژوهش هایی در این حوزه انجام شود که اگر فرصتی شود پیگیری می کنیم.

استاد: دانشگاه ما پژوهشگر تفسیر اهل بیت هم دارد که اگر منع قانونی در ارتباط با ما داشتید می توانید با پژوهشگر هم ارتباط برقرار کنید و بنده مسئولیت دارم و در خدمت شما هستیم. برای من خیلی فرصت زرین و طلایی بود که در خدمت فرهیختگانی مثل شما عزیزان باشم و می دانم که در برخی از دقایق قصوراتی اگر بوده به بزرگی خودتان ببخشید.

خسته نباشید همگی دوستان

اردیبهشت ۹۹